



جهان در گرداب بحران‌های پیچیده

گفتگوی شورای روابط خارجی آمریکا با بان کی مون ...

گفتگوی شورای روابط خارجی آمریکا با بان کی مون
جهان در گرداب بحران‌های پیچیده
ترجمه: محمود فاضلی بیرجندی

دبیرکل سازمان ملل چندی پیش با حضور در شورای روابط خارجی آمریکا به پرسش‌های #171؛ کریستین امان‌پور؛ روزنامه‌نگار سابقه و سایر حاضران در این نشست، در مورد مهمترین بحران‌های جهانی پاسخ داد. بی‌گمان یکی از دغدغه‌های اصلی بان‌کی‌مون، بحران سوریه است که منطقاً بخش بزرگی از اظهارات وی به آن اختصاص یافت.

با یادآوری این نکته که درج این مصاحبه به منزله تأیید مطالب ذکرشده در آن نیست، موضوع را پی می‌گیریم.

این وضع موجب تشدید خشونت، تجزیه آن کشور و احتمالاً تبدیل سوریه به میدانگاهی برای مصاف نیروهای داخلی و منطقه‌ای و البته نیروهای دولتی و غیردولتی می‌شود. شورای امنیت دیگر

نمی‌تواند بیش از این در کناری بنشیند و بن بست موجود را نظاره کند و شاهد خون‌ریزی باشد. من شخصا باید با عزم استوار به امید آن باشم که همه گرد هم آییم و برای گذار دموکراتیکی چاره‌اندیشی کنیم که سوریه را نجات دهد.

ما محتاج آنیم که راهی پیدا کنیم تا نمایندگان مختار دولت و مخالفان با هم به مذاکره بنشینند و راهی برای آینده سوریه باز کنند؛ راهی که خواه از انتخابات بگذرد، خواه از اصلاح قانون اساسی، خواه از این که مسئولان جنایت‌ها مجرم بین‌المللی شناخته شوند، یا هر روش دیگری که بتواند خواسته‌های

دموکراتیک مردم را محقق سازد. ما اکنون در زمانی قرار گرفته‌ایم که لازم است به گذشته سوریه پشت کنیم و رو به آینده‌ای بگذاریم که در آن مردم امکان ابراز نظر آزادانه داشته باشند و وقتی حرفی زدند و نظری را بیان کردند، نگران محاکمه یا مرگ خود نباشند. یعنی پی‌ریختن سوریه‌ای که در آن حقوق همه مردم تامين و تضمین باشد.

بگذارید طرح درس را گسترده‌تر کنیم. مردم در دنیای عرب و هر کجای دیگر واقعا خواهان دگرگونی شده‌اند و دیگر نمی‌خواهند سرکوب شوند یا مثل گذشته وظیفه خود بدانند که حتما خود را با اوضاع حاکم وفق دهند.

به یاد داشته باشیم که هر کجا مملکتی از دل منازعات داخلی یا خودکامگی‌ها سر برکشیده، لزوماً یکسره و در جهت مستقیم به سوی #171؛ دموکراسی جفرسونی؛ یا #171؛ آرامش و انضباط سویسی؛ حرکت نکرده است.

راه فراروی چنین ممالکی همواره سنگلاخ و صعب‌العبور بوده و خواهد بود. مثال کشورهایی چون میانمار، تیمور شرقی، و سیرالئون، امیدهایی را به دل می‌آورد که بردباری، کار بلند مدت و دیپلماسی پیگیر، ممکن است به ثمر بنشیند. مثال کشور مالی هم نشان می‌دهد که ما در مواردی نمی‌توانیم شکنندگی دموکراسی‌ها را درست درک کنیم و به خطا گمان می‌بریم که پایه و بنیان استوار دارند. و دیگر این که وظیفه داریم خود را به اغواها نسپاریم و نپذیریم که مشکلات جاری مثلاً در مصر و لیبی، نشانه آن است که نظم پیشین بهتر بود. تاریخ به ما می‌آموزد که بی‌نظمی در دوره‌های پس از وقوع انقلابات، چیزی بیش از پدیده‌های گذرا نیست. در این قبیل موارد فقط کار تنگاتنگ و صبروری چاره‌ساز خواهد بود.

جامعه بین‌الملل هم موظف است با این موارد گذار، معقولانه همکاری کند. خانم‌ها و آقایان؛ حال بگذارید سختم را به خطر روزافزون تغییرات آب و هوایی متوجه کنم. دانشمندان مدت‌هاست که نزدیکی خطر را اعلام کرده‌اند. اینک فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و متخصصان امنیتی هم با این گروه از دانشمندان هم‌نوا شده‌اند، اما طبقه سیاستمداران، گویا هنوز خیلی از این قافله عقب است.

همه شما با پی آمدهای بالقوه این امر آشنایی دارید: حرکت ماریچی جهان به سمت پایین و در جهت نابودی شدید آب و هوا ،

بروز بلایا، واژگونه شدن روال توسعه، تشدید آوارگی انسان ها، تشدید منازعات بر سر زمین و آب و فرورفتن دولت های کم توان تر به دامان هرج و مرج. امروز در احوالی به سر می بریم که گازهای گلخانه ای بیشتر از هر زمان دیگر متصاعد می شود.

ملت ها هم مانند همیشه نقش خود را در تشدید این مشکل دارند. افزایش دمای دنیا را باید در حد دو درجه سانتیگراد متوقف کنیم، اما اکنون از آن مقصود خیلی دوریم و همین دوری برای هلاک همه اهل دنیا بس است. چنانچه وضع به منوال فعلی ادامه یابد در آستانه شش درجه افزایش دما قرار خواهیم داشت. این یعنی فاجعه.

امروز دیگر رهبران زیادی در دنیا متوجه شده اند که حتما باید تغییرات آب و هوایی را در ید قدرت خود نگه دارند و نگذارند که مهار آن از دستشان خارج نشود. معدودی هم دریافته اند که این موضوع با امنیت و مدیریت اقتصادی و مالی دنیا پیوند مستقیم دارد. حال زمان آن است که از هزینه کردن مبالغ هنگفت برای جبران خسارت ها قدمی فراتر نهاده و متوجه سرمایه گذاری هایی شویم که بازدهی مکرر داشته باشد.

پاره ای از کشورها متوجه اعمال قوانینی مبنی بر کاهش مصرف مواد کربن دار و مواد متصاعد کننده گازهای گلخانه ای شده اند. این جمله کشورها به سمت آن رفته اند که نیروی برق لازم برای خود را با استفاده از منابع تجدید پذیر تامین کنند و دیگر حاضر نیستند دوباره دست به احداث نیروگاه های زغال سنگی بزنند.

پارسال 1/5 میلیون نفر در دنیا از راه توسعه صنعت برق بر مبنای منابع تجدیدپذیر، مشغول به کار شدند. هزینه برقی که از باد به دست می آید، در خلال سال گذشته همچنان در تنزل بود. 80 درصد برق دنیا تا وقتی که به میانه های سده جاری برسیم، با منابع تجدیدپذیر تامین خواهد شد. این سخن، سخنی از سر آرمانگرایی نیست و من هم داستان علمی - تخیلی تعریف نمی کنم.

این، واقعیت روشن موجود این روزگار است. من به شخصه بر آنم تا توانم را صرف هر راهی بکنم که متضمن حمایت و توسعه این امر باشد.

اقتصاد خرم نگه داشتن طبیعت، همانا بیمه و سرمایه گذاری مطمئنی برای آینده امن تر همه انبای بشر است. همراهی عمومی جهانی در امر تغییرات آب و هوایی موتور محرکهای است که همه ما را قطعا در این مسیر به پیش خواهد برد. من به تدابیر اوباما در باره مقابله با تغییرات آب و هوایی ارج می گذارم و آن را دارای اولویت سیاسی می شمارم.

من مشغول آنم تا رهبران دولتها و بازرگانان عمده را برای فراهم آوردن سرمایه مالی و اراده سیاسی بسیج کنم تا با داشتن آن بتوانیم تا سال 2015 پیمانی در باره منع تغییرات آب و هوایی به تصویب جامعه جهانی برسانیم.

رهبران دنیا وعده چنین توافقی را داده اند و اینک ما هستیم که باید این وعده و ضرورت عمل به آن را به آنان یادآوری کنیم. خانمها و آقایان؛ پیش از آن که نوبت به خانم کریستین امانپور و نیز پرسشهای شما برسد، اجازه میخواهم نقض عهد کنم که گفته بودم از دو فقره اساسی سخن خواهم گفت. حال باید دو مساله مهم دیگر را هم یادآوری کنم. یکی مناقشه اسرائیل و فلسطین است.

در خاورمیانه نسیم دگرگونی می وزد. مدت ها از زمان حل و فصل این مناقشه گذشته است. همه ما می دانیم که حل این مناقشه راهی منصفانه و دائمی می خواهد.

در سال های آینده دیگر اصلا نباید مجال این را بدهیم که کسی بگوید فلان مساله دشوار است و راه حلی ندارد.

دوم اوضاع شبه جزیره کره است. من از رهبران پیونگ یانگ خواسته ام تا قدمی برندارند که تحریک آور باشد و مخصوصا دست به آزمایش هسته ای نزنند. اکنون زمانی است که دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک خلق کره، ندای یکپارچه جامعه جهانی را اجابت کند و تن به مذاکره برای پیراستن شبه جزیره کره از مواد هسته ای بدهد.

و نیز باید نگرانی های جامعه بین المللی را در باره قحطی و اوضاع ناگوار مردم کره برطرف کند. دستگاه رهبری کره هر گاه مسیر خود را عوض کند و راه دیگری را در پیش بگیرد، حتما همه درها به روی آنان باز خواهد شد تا بتوانند آینده بهتری را رقم بزنند. من در مقام دبیر کل سازمان ملل متحد آماده ام تا با هر دسته و حزبی که در جهت ثبات و صلح در آن منطقه قدم بردارد، همکاری کنم. اگر من امروز در مقام دبیر کل سازمان ملل متحد به بحران ها توجه کنم، بنای مستحکمی برای فردا پی ریخته خواهد شد.

من در جست و جوی راه های مناسب بین المللی برای حل و رفع مسائل دنیا هستم و می کوشم تا هر کجا که لازم آید، هر چند سخت باشد و ناگوار، فداکاری کنم و هر کجا که نیاز باشد به مصالحه تن دردهم. این راهی است که پیمودن آن، ره آوردهای عظیمی برای نسل های آینده خواهد داشت.

ما در عصر تغییرات لحظه ای در اقتصاد، جمعیت و سیاست به سر می بریم. وابستگی در دنیا عمیق تر می شود و البته خطرات و مشکلات هم رو به ازدیاد دارد. این یعنی که ما باید از دستگاه سازمان ملل متحد بهترین بهره ها را ببریم.

ابزارهایی که ما در این تشکیلات در اختیار داریم، از پاسداری صلح گرفته تا درانداختن صلح، از بازدارندگی گرفته تا دادگاه جنایات بین المللی؛ همه و همه، ابزارهایی است که بسی بیش از آنچه مردم دنیا می پندارند، کارآیی و پویایی دارد.